

# مکتوب

بیانوی فاضله زهراء داعی زاده

تصحیح و طبع ( تذکره خوش نویسان و نقاشان ) تألیف مورخ شهیر قاضی میر احمد منشی قمی بهمت سرکار جای قدر دانی بسیار و خاصه حسن انتخاب شما در خور ستایش میباشد .

همانطور که خود مرقوم فرموده اید تاکنون در این باب کتاب جامعی دیده نشده تنها رهی بنام ( نامه صورتگران ) رساله نگاشته که حال صد نفر کما بیش از نقاشان ایران میباشد و شرح حال چند تن از مشاهیر این طبقه چون بهزاد ومانی و میر سید علی و آقا رضا از آن رساله بامر استاد معظم آقای وحید دامت افاضانه سال گذشته در دو شماره مجله ارمغان نگارش یافت . انتخاب نام ( تذکره خوش نویسان و نقاشان ) جهت این کتاب که مسلماً نام دیگر و بهتری دارد چندان سزاوار نیست و بهتر آنست که حتی المقدور سعی فرموده نام اصلی را پیدا کنید و اگر پیدا نشد دیگر چاره نیست و امیداست بمساعی جمیله آن بانوی فاضله نام اصلی پیدا شود .

شرح حال اجداد قاضی میر احمد و مختصری از حالات او را که بخاطر رهی بود برای مزید آگاهی سرکار مینگارم .

نام جد امی قاضی میر احمد آقا کمال الدین حسین مسیبی میباشد و چون از اولاد مسیب بن علی خزاعی بوده بدین واسطه مسیبی اشتهار داشته است .

بدر قاضی میر احمد میر محمد منشی حسینی قمی نام داشته و از فضلاء و شعرا و منشیان در بار شاه طهماسب صفوی (۹۱۹ - ۹۸۳) و نزد آن پادشاه بغایت معزز و محترم بوده است.

میر منشی در سرعت کتابت موصوف و شاهرا بوی توجهی خاص و ده چنانکه در سال ۹۶۴ که شاه طهماسب حکومت خراسان را بشاهزاده کبیر الانضال ابوالفتح - سلطان ابراهیم میرزای جاهی فرزند بهرام میرزا ابن شاه اسماعیل صفوی تفویض فرمود خواست تا وزیرى جمعیت وی روانه خراسان کنند که سلامت نفس و کم طمعى و برهیزکارى و امانت و راستى و فضائل و کاردانی موصوف باشد بعد از تأمل و تفکر میرمنشى را انتخاب و وزارت نواب مذکور را بوی ارزانی داشت چنانکه خود قاضی در خلاصه التواریخ مرقوم داشته (از روی عنایت بر زبان الهام بیان گزرانیدند که نیک و بد مهمات ویرا از تو میدانیم و بنواب میرزائی فرمودند که میرمنشى را ریش سفید در خانه تو ساختیم باید که از سخن او بدر نروی که رضای او موجب رضای ماست و قضی المرام شاهزاده عالی مقام روانه آستانه عرش منزلت شدند)

میرمنشى در وزارت خراسان پیوسته بجل و عقده کارهای بزرگ مأور بود چنانکه یکسال بعد سنه ۹۶۵ از طرف شاهزاده بجهت آوردن گوهر سلطان خانم که بزرگترین دختران شاه سلیم بود از مشهد مقدس روانه درگاه شاه طهماسب شد در آن هنگام شاه طهماسب در دارالسلطنه تبریز بود و میر منشى عازم آنصوب گردیده در آن نواحى بشرف پای بوسی آن پادشاه سرافراز شد و حقیقت حال را بشاه طهماسب معروض داشت شاه طهماسب که بغایت ابراهیم میرزارادوست داشت و بیش از دیگر شاهزادگان رعایت و تربیت و توجه میفرمود علما و فضلالی آنعصر را حاضر ساخته شاهزاده خانم مزبور را جهت نواب مذکور خطبه نمود سپس بدارالسلطنه قزوین آمده میرمنشى را مرخص کرد که شاهزاد را بعد از آن روانه مشکوی جاهی نماید.

وزارت خراسان برعهده کفایت میرمنشی بود تا آنکه در سنه ۹۶۸ باغواي معصوم بيك صفوی از وزارت معزول و بس از چندی وفات نموده است .  
 قاضی میراحمد فرزند وی نیز در دربار شاه عباس محترم و از مورخین و شعراء مقرب آن دربار بشمار رفته است و چون این خاندان بمنشی قعی اشتهار داشته اند لذا قاضی را نیز میرمنشی میخوانند .

اقوام قاضی همه اهل فضل و بزرگ و عالبقدر بوده اند خال وی آقا فتح الله در زمان شاه اسمعیل چندی حکومت قم را برعهده داشته و نیز یکی دیگر از منسوبان او آقا کمال منشی قعی نیز مدتی وزارت آن بلد را عهده دار بوده است تالیفات قاضی را رهی تذکره مجمع الشعراء و خلاصه التواریخ میدانست لیکن اکنون معلوم شد که با تذکره خوش و قاشان که نیز از تالیفات او و نزد شماست او را سه تألیف میباشد .

۱ مجمع الشعراء که سرکار نام آنرا تذکره الشعراء دانسته اید و خود قاضی در خلاصه التواریخ بدان اشاره نموده و مجمع الشعرا خوانده و رهی در آغاز شرح حال میرزا طاهر نصرآبادی که سال گذشته در مجله ارمغان نگارش یافت نیز اسمی از آن برده ام - تا اکنون با تجسس بسیار فقیر در کتابخانه های ملی و شخصی یافت نشده است .

۲ - خلاصه التواریخ که نسخه آن فوق العاده کمیاب و عزیزالوجود میباشد - قسمتی از این تاریخ که حاوی شرح حالات اجداد و سلاطین صفویه تا وقایع چهارمین سال سلطنت شاه عباس کبیر است اکنون در کتابخانه ملی فاضل مقدم آقای حاج حسین آقا ملک دامت افاضاته موجود میباشد .

رهی که بخاک روی آن خزینه گرانبها سرافرازم برای یافتن نام آن کتاب که بمناسبت فقدان دیباچه آغاز و خاتمه آن مجهول بود چندی بمطالعه

آن اشتغال داشتم سبک انشاء آنرا بسیار شایسته بطرز و اسلوب عالم آراء اسکندر بیک ترکمان یافتیم و بخوبی پیداست که اسکندر بیک در نگارش بوی اقتضا نموده و اسلوب او را پیروی کرده است و با آنکه وقایع سلطنت شاه اسمعیل و شاه طهماسب را از کتاب او هم اقتباس کرده ندیده ام در جائی نامی از وی نیامورد.

۳- تذکره خوش نویسان و نقاشان این کتاب بعد از تألیف دو کتاب فوق الذکر نگاشته شده چنانکه نامی از آن در دو کتاب فوق نیست و چون در خلاصه التواریخ ضمن وقایع متنوعه وفات برخی از شعرا و خوش نویسان را که ثبت نموده بالنسبه مفصل نگاشته بنا بر این بایستی شرح حال خطاطان و نقاشان را نیز بتفصیل نگاشته باشد و از اینرو کتاب مزبور مختار و بی شریک و انباز بوده و رهی در هیچیک از کتبخانه های معروف تهران نسخه آن را ندیده ام. (سهیلی خوانساری)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

### کمال اسمعیل

ایام برانست که تا بتواند	یک روز مرا بکام دل نشانند
عهدی دارد فلک که تاگرد جهان	خود میگردد مرا همی گرداند
نه باد قبولی ز هنر میجهدم	نه چرخ اساس دولتی می نهادم
از عمر بشکرم که بهر گونه که هست	باری بگذشتن مددی میدهم